

# «نون» و «قانون»

نوشته احمد بشیری

چندی است که موج توفنده‌ای از تعهد و مسؤولیت و دلسوزی دریای پهناور ایران زمین را، از آرام و قرار دور کرده و هرچه می‌گذرد موجی دیگر و از گوشه دیگر این دریا، با جوش و خروش هرچه بیشتر، سر به سنگ ساحل می‌کوبد، کف و آب به هرسو می‌پراکند و بعد، چنان‌که خاصیت و طبیعت هر موجی است، از سروصدا می‌افتد و نوبت به موجی دیگر می‌رسد و... خورشید، همچنان می‌درخشد و دریا، آرام است! تو گویی: «نقطه‌ای بود و دگر، هیچ نبود.»! تنور آدم‌ها داغ است و هرکس می‌کوشد که زودتر، خودش را به این تنور برساند و چونه‌ای را که با کد یمین و عرق جبین فراهم کرده است، به بدنه تنور بچسباند و نان برشته‌ای بیرون بکشد تا بو و برنگ خوش آن، یک چند دماغ پیرامونیان و یاران غار را، نوازش کند. حتی بعضی‌ها، از هول حلیم به دیگ می‌افتند و بجای خمیر، سینه‌شان را به بدنه تنور می‌چسباند و... تب دلسوزی برای بیت‌المال، چنان تن و جان برخی از همین آدم‌ها را، می‌سوزاند که دل هر تنابنده‌ای به درد می‌آید و بی‌اختیار با خودش می‌گوید. عجب!... آیا این اصحاب کهف سرزمین تعهد و مسؤولیت، تاکنون دردل کدام غار آرمیده بوده‌اند که اینک از خواب خوش دیرپای، بیدار شده و از دیدن نسابسامانی‌ها و دست‌کجی‌های همگان، برآشفته و دلارزده گردیده‌اند و یک باره سنت سنیه رحماء بینهم را از یاد برده و به شیوه اشداء علی الکفار روی کرده و برای نجات بیت‌المال، خشمگینانه به جان یکدیگر افتاده‌اند و در راه قلع و قمع یاران قدیم، و ریختن آبرویی که بین خودشان محفوظ و ملفوف بوده است، سر از پا نمی‌شناسند و مسابقه‌ای بی‌سابقه را آغاز کرده‌اند و هر گروه، شتابکارانه تشت آبروی گروه دیگر را، از بلندترین بامها، بر زمین می‌کوبد تا صدای بیشتری از آن شنیده شود؟!!

طرفه این که، حضرات، بعد از آن که سالها، قانون را به گوشه انزوا انداخته و از آن یک مترسک جالیز ساخته و پرداخته بودند و به دیگر سخن، در حالی که سالیان سال، قانون، را به وجود حاضر غایب میدل گردانیده بودند و دست بالا، زور قانون، فقط به دست و پا چلفتی‌ها و آفتابه‌دزدها می‌رسید، ناگهان، آن‌را به صورت شمشیر دموکلس درآورده و به جان برادران غیور افتاده‌اند و فریاد هل من مبارز آنان، نهنگ دریا و آهوی صحرا را، هراسان و دل‌ترک گردانیده است.

به نام قانون! آری حالا دیگر، همه کارها، به نام قانون انجام می‌گیرد؛ هر کس می‌خواهد دیگری را دراز کند، کار خودش را به قانون می‌چسباند و قانون چنان دلچسب و عزیزدردانه گردیده که کم مانده است مانند نان و پنیر، بر سفره هر وضعی و شریف و در هر ساعت شب یا روز، سروکله‌اش نمودار شود. آدم بی‌اختیار به یاد این شعر پرمعنی می‌افتد که:

از آن گویند آسان، لفظ قانون

که حرف آخر قانون، بود نون!

به یادمانده که امسال چه سالی است و طبق تقویم قدیم به نام کدام حیوان درنده یا چرنده نام‌گذاری شده است؛ اما هر چه هست، سال جالبی است و از اول پامداد، مست آمده است!

در طلایع سال، یعنی بهار، درخت قانون یکباره به گل نشست و بار آن، ماجرای شهردار تهران بود که سریال آن، بارها و بارها، از رسانه‌های زمینی، هوایی، صوتی و تصویری در ایران و جهان پخش و پلاگردید، و آن که سریال را ندید و نخندید و یا نگریید، حضرت خواجه حافظ شیرازی بود و بس! و در این مقال، صد البته، قصد ما، تکرار حوادث آن سریال عظیم نیست و فقط نظری و گذری به آن داریم.

آری، شهردار تهران به نام قانون، به جنگال فرشته عدالت اسیر گردید و درست و

حسابی درازش کردند و یلایی به سرش آمد که شیر از مادر نوشیده را، یکجا بالا آورد و معده‌اش سبک شد!

داستان شهردار تهران، برای همه کسانی که از کار و بار او خبر داشتند، ماجرابی پندآموز و فراموش ناشدنی بود که جا دارد از آن افسانه‌ها بسازند و به گوش بخوانند.

می‌گفتند شهردار تهران، پشتش به کوه ابوقبیس است و هیچکس حریف او نخواهد شد و هر امر و نهی و تاخت و تازی بکند، کسی جلودارش نیست و «کس نخواهد خواستن از ایشان حساب...» اما دیدیم و شنیدیم که «به یک گردش چرخ نیلوفری» و به نام قانون، نشست آقا شهردار هم، از بام تاریخ فرو افتاد و کوه ابوقبیس پشتوانه او، نه تنها کاری برایش نکرد که از زاییدن یک موش کوچولو هم، کوتاهی کرد و... دریغا، سنگی و مردی!...

شهردار تهران، به نام قانون بازداشت شد، محاکمه شد، محکوم شد و یکباره، آن همه کز و فز و گیرودار و دورباش، کورباش و سطوت و صولت که داشت، بر روی کف‌پوش‌های سالن دادگاه عمومی تهران، بر خاک ریخت و سوپرمین دیروز، با یک اشاره فرشته عدالت، از اوج عزت، به حقیض ذلت، سرنگون گردید و:

و آن‌همه ناز و تتمع که خزان می‌فرمود

عاقبت در قدم باد بهار، آخر شد!

در روزهایی که شهردار تهران، زیر مهمیز فرشته عدالت، دست و پا می‌زد، بسیاری را عقیده بر آن بود که آسمان بر زمین خواهد آمد و حامیان شهردار، که سر او را به کنگره عرش قدرت رسانیده بودند، بی‌کار نخواهند نشست و رشته‌الفت‌شان را از او نخواهند گسست، اما دیدیم که به روز حادثه کمتر کسی تنها نیست و آنان که شهردار خوش‌باور تهران را، مسیح‌وار، بر چرخ قدرت کشانیده بودند، همین‌که هوا را پس دیدند، به حکم آن‌که گفته‌اند: «چریده رو، که گذرگاه عاقبت تنگ است» خزیدن به کنج عاقبت را، از هر کار و تلاش دیگری، بهتر دیدند

و شهردار را نیز، به حال خودش گذاشتند تا با تاجی از خار مغیلان و پای عربان، چوب صلیبش را، خود بردوش گیرد و از تبه جلجتای دیوان قضاء، بالا رود و در پیشگاه داورى تاریخ، برپای ایستد و تیزی و تندى میخ‌های صلیب را، برکف دست و پایى که با کمک آنها، بیت‌المال را پایین و بالا کرده است، تحمل کند!

گفتند شهردار تهران، پولهایى را که ماموران زیردست و برگماشته او، قران، قران، بی‌هرگونه گذشت و شفقت و تحت عناوین مختلف، از پوست و گوشت مردم جدا کرده‌اند، بدجورى خرج اینها کرده و به جای آن که پولهای به دست آمده را، به مصرف رفاه و آسایش صاحبان آنها برساند، برای دارو دستگاه خودش آلف و آلف و دنگ و دنگ و فتنگ فراهم و یا آنها را صدمیلیون، صدمیلیون در مبارزات انتخاباتی و... خرج و برج نموده است و چون ورق برگشته و کارها، آن چنان که بایسته و شایسته بوده، پیش نرفته است، و چون کشتیبان را سیاستى دگر آمد، باید حساب آن همه پول زورآورده را پس بدهد و به مصداق این ضرب المثل شیرین فارسى که: «هرکس خریزه خورد، باید پای لوزش هم بنشیند»، حالا که شهردار به جای پرداختن به حمل زباله‌ها و پاک کردن جویهای فاضلاب شهر و مرمت آسفالت خیابانها و... وارد معقولات شده و دست به کارهای گنده گنده زده و فیل او، یاد هندوستان سیاست کرده است، ناگزیر، باید کف پایش چوب بخورد تا در آینه ره چنان رود، که رهروان رفتند و حساب کار دستش باشد که گفته‌اند:

زدی ضربتی، ضربتی نوش کن!

و یا:

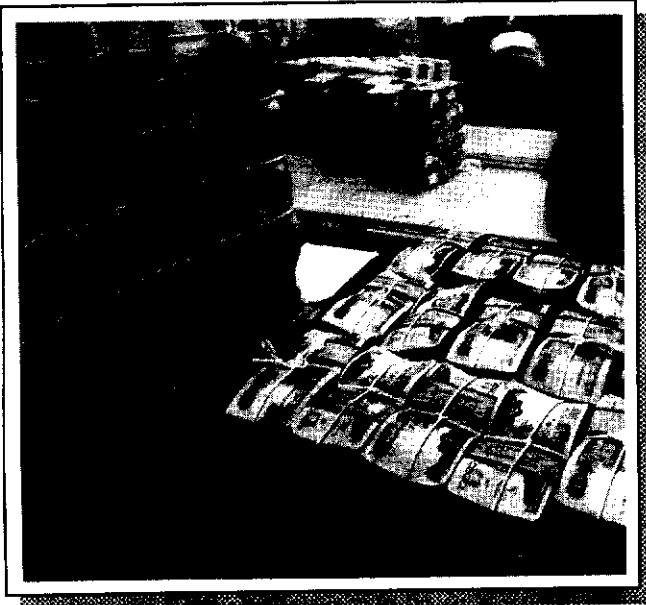
«سختی کنشی زده‌ر، چو سختی دهی به خلق درکیفر فلک، غلط و اشتباه نیست!»

از زمزمه تا همه‌مه!

بدین ترتیب بود که بهار امسال، با ماجرای شهردار تهران گذشت و البته، بنابه ضرب‌المثل معروف:

«سالی که نکوست، از بهارش پیداست!»

اما، هنوز جوهر حکم محکومیت بدوی شهردار تهران خشک نشده بود که ماجرای تابستانی امسال، آغاز گردید و کمی بعد از قلب الاسد، خبر چاپ شده در یکی از روزنامه‌های ۲۴ ساعته تهران میزان، دیدگان مردم منتظر



مبلغ ۲۰ میلیارد ریال از این حساب برداشت می‌شود و در چهار حساب سپرده،

سرمایه‌گذاری بلندمدت، هرکدام به مبلغ پنج میلیارد ریال به نام رئیس دادگستری استان تهران، علی رازینی (شخص حقیقی) نزد بانک ملی شعبه کاخ دادگستری، واریز می‌شود.

خبرنگار ویژه همچنین خبر داد: در

تاریخ ۲۲ اسفند ۷۵ نیز، ۳۰ هزار فقره سپرده سرمایه‌گذاری بلندمدت پنج ساله، هر یک به مبلغ ۵۰۰ هزار ریال، جمعاً بالغ بر ۱۵ میلیارد ریال به نام علی رازینی نزد بانک ملی شعبه کاخ دادگستری ایجاد شد.

به گزارش خبرنگار ویژه توس، منابع این سپرده‌ها نیز، همان حساب جاری دولتی شماره ۹۰۰۸۰ بوده است و بنابراین، مجموعاً رقمی بالغ بر ۳۵ میلیارد ریال از حساب دولتی مذکور، برداشت و به نام شخص حقیقی سپرده‌گذاری پنج‌ساله انجام می‌شود.

خبرنگار ویژه گزارش داد که بازرسان بانک مرکزی دریافته‌اند همچنین حساب‌های جاری شماره ۱۳۱۱۲ نیز، به نام علی رازینی نزد شعبه کاخ دادگستری گشایش می‌یابد تا سود سپرده‌های مزبور در نوبت‌های معمول، به این حساب واریز شود که تا پایان تیرماه، رقم سود دریافتی، بالغ بر ۱۵ میلیارد ریال بوده است. گفته می‌شود از این حساب نیز، برداشت‌های مختلفی به نام اشخاص صورت می‌گیرد.

خبرنگار ویژه گفت که این موضوع، طی گزارشی به اطلاع رئیس جمهور رسیده و قرار است در شورای پول و اعتبار نیز مطرح شود. به گفته خبرنگار ویژه، نمایندگان از وزارت امور اقتصادی و دارایی، وزارت دادگستری و بانک مرکزی، این عملیات بانکی را، تحت بررسی قرار خواهند داد. (۱)

حادثه کشور را، نوازش داد خبر این بود: «گزارش خبرنگار ویژه توس، از انتقال ۲۰ میلیارد ریال از حساب دادگستری به حساب شخصی». گروه سیاسی - خبرنگار ویژه روزنامه توس، به نقل از منابع موثق خبر داد: در گزارشی که توسط بانک مرکزی تقدیم رئیس جمهور شده، به انتقال و واریز مبلغ ۲۰ میلیارد ریال از یک حساب دولتی، به حساب شخصی، اشاره شده است.

به گزارش خبرنگار ویژه، بازرسان بانک مرکزی، در حین بازرسی و پیگیری موضوع، موفق به کشف این جابه‌جایی شدند.

بازرسان متوجه شدند، مبالغی از یکی از حساب‌های دولتی برداشت و بنام شخص حقیقی، نزد شعبه کاخ دادگستری سپرده‌گذاری شده است و چون مبلغ سپرده‌ها، ارقام قابل توجهی بوده است، موضوع مورد پیگیری دقیق قرار می‌گیرد.

خبرنگار ویژه توس می‌افزاید در سال ۱۳۷۳ براساس مجوزی، مقرر می‌شود برای کمک در امر معیشتی برخی قضات و کارکنان اداری وزارت دادگستری، بخشی از مبالغی که با عنوان‌های گوناگون در حساب ۹۰۰۸۰ وزارت دادگستری واریز شده را، برداشت و در حسابی به نام وزارت دادگستری واریز و زیر نظر رئیس قوه قضاییه از منافع بانکی مشروع آن استفاده شود.

به گزارش خبرنگار ویژه، در سال ۷۴

خبری اینگونه مهم و ناگهانی، طبیعی است که به زودی جای خودش را در همه محافل عمومی و خصوصی بازکرد و نقل مجالس گردید و نخست زمره‌هایی را به دنبال خود آفرید و سرانجام کار به مهمه رسید.

اهمیت و بازتاب خبر، آن‌گاه بیشتر شد که متن نامه یا گزارش رئیس کل بانک مرکزی به رئیس جمهوری کشور، منتشر گردید: ذکر نامه از لحاظ حفظ پیشینه تاریخی موضوع، کاری بایسته است:

«حجت الاسلام و المسلمین جناب آقای سید محمد خاتمی ریاست محترم جمهوری اسلامی ایران.

خاطر عالی را مشخص می‌دارد:

بازرسان اداره نظارت بر بانکهای مرکزی جمهوری اسلامی ایران، همه ساله، شعب بانکها و نیز ادارات مهم و عملیاتی بانکها را مورد بازرسی قرار می‌دهند تا از اجراء و اعمال صحیح و دقیق بخشنامه‌های بانک مرکزی، مصوبات قانونی و مصوبات هیأت محترم وزیران درخصوص سیاست‌های پولی و اعتباری و سیاست‌های ارزی اطمینان حاصل نمایند.

در بازرسی متعارف و معمول سال جاری، از شعب بانک ملی ایران، مواردی از عملیات انجام شده در شعبه کاخ دادگستری مورد سوال پیگیری بازرسان قرار می‌گیرد که گزارش تفصیلی آن به اینجانب ارائه گردید.

پیگیری موضوع توسط بازرسان بانک مرکزی از اینجا شروع می‌شود که حین بازرسی و رسیدگی به اسناد، متوجه می‌شوند مبالغی از یکی از حسابهای دولتی، برداشت و به نام شخص حقیقی نزد شعبه کاخ دادگستری سپرده‌گذاری شده است و چون مبلغ سپرده‌ها، ارقام قابل توجهی بوده است، موضوع مورد پیگیری دقیق قرار می‌گیرد که خلاصه آن ذیلاً تقدیم حضور مبارک می‌شود:

در سال ۱۳۷۳ مقام معظم رهبری، به منظور کمک و مساعدت در امر معیشتی دارندگان پایه قضایی و نیز کارکنان اداری وزارت دادگستری، مجوزی صادر می‌فرمایند مبنی براین که بخشی از مبالغی که تحت عناوین مختلف در حساب ۹۰۰۸۰ وزارت دادگستری (وجوه سپرده امانی اشخاص) واریز شده است را، برداشت و در حسابی

## تصرف امین، در حالی که مالک خاص دارد، آن هم بدون لذن و اجازه مالک، چه مشروعیتی دارد که رئیس بانک مرکزی آن را «هباح» کرده است؟!!

به نام وزارت دادگستری نهاده و زیر نظر ریاست محترم قوه قضاییه از منافع بانکی مشروع آن استفاده شود.

براساس این مجوز، در خرداد ماه سال ۱۳۷۴ مبلغ بیست میلیارد ریال (۲۰,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰ ریال) طی چک شماره ۸۹۳۵۵۲ از حساب مزبور برداشت و چهار فقره سپرده سرمایه‌گذاری بلندمدت پنج ساله هر یک به مبلغ پنج میلیارد ریال، به نام جناب آقای علی رازینی (شخص حقیقی) نزد بانک ملی ایران شعبه کاخ دادگستری ایجاد می‌شود.

متعاقباً در تاریخ ۱۳۷۵/۱۲/۲۲ نیز چندین فقره (سی هزار فقره) سپرده سرمایه‌گذاری بلندمدت پنج ساله، هر یک به مبلغ پانصد هزار ریال، جمعاً بالغ بر پانزده میلیارد ریال (۱۵,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰ ریال) به نام جناب آقای علی رازینی، نزد بانک ملی شعبه کاخ دادگستری ایجاد می‌شود. منابع این سپرده‌ها نیز، همان حساب جاری دولتی شماره ۹۰۰۸۰ بوده است. بنابراین مجموعاً رقمی بالغ بر سی و پنج میلیارد ریال (۳۵,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰ ریال) از حساب دولتی شماره ۹۰۰۸۰ برداشت و به نام شخص حقیقی (جناب آقای علی رازینی) سپرده‌گذاری پنج ساله انجام می‌شود.

همچنین حساب جاری شماره ۱۳۱۱۲ نیز به نام جناب آقای علی رازینی، نزد شعبه کاخ دادگستری افتتاح می‌شود تا سود سپرده‌های مزبور، در نوبت‌های معمول، به این

حساب واریز شود که تا پایان تیرماه، رقم سود دریافتی، بالغ بر ۱۵ میلیارد ریال بوده است. از این حساب نیز، برداشت‌های مختلف و متفاوتی به نام اشخاص صورت می‌گیرد که از آن جمله، اعطای وام می‌باشد. عنایت دارند با توجه به مجوز صادره و به منظور اجرای دقیق آن و رعایت انضباط امور پولی و بانکی، لازم می‌بود که:

اولاً - سپرده مزبور به نام وزارت دادگستری ایجاد می‌گردید و نه شخص حقیقی.

ثانیاً - سود سپرده‌های مزبور، به نام وزارت دادگستری ایجاد می‌گردید و نه شخص حقیقی.

ثالثاً - سود سپرده‌های مزبور نیز، در حسابی دولتی و به نام وزارت دادگستری واریز می‌گردید که البته می‌توانست قابل برداشت توسط شخص حقیقی نیز باشد.

رابعاً - از آنجایی که شورای پول و اعتبار، اعطای سود به سپرده‌های دولتی را، مجاز ندانسته است، لذا با عنایت به مجوز صادره، لازم بود که نرخ سود سپرده‌های مزبور، توسط شورای پول و اعتبار تعیین گردد.

از سوی دیگر، برداشت از موجودی حساب ۱۳۱۱۲ که می‌بایستی به مصرف امور مربوط به قضات و کارکنان اداری وزارت دادگستری برسد، مشخص نمی‌باشد.

در خاتمه، تصدیق می‌فرمایند که برداشت از وجوه دولتی یا وجوه بیت‌المال و سپرده‌گذاری به نام شخص حقیقی و همچنین افتتاح حساب دیگری به منظور واریز سود سپرده‌های مزبور، به نام همان شخص، علی‌القاعده، خارج از اختیارات مندرج در مجوز صادره و عرف معمول می‌باشد. بنابراین، به منظور اجرای دقیق آن و همچنین انطباق با عملیات جاری بانکها و تعیین نرخ سود سپرده‌ها، پیشنهاد می‌شود نمایندگانی از وزارت امور اقتصادی و دارایی، وزارت دادگستری و بانک مرکزی، اولاً کلیه عملیات مالی صورت گرفته را مورد بررسی قرار داده و ثانیاً موضوع در شورای پول و اعتبار جهت تصویب سپرده‌گذاری به نام دادگستری مطرح گردد.

محسن نوربخش (۲)

برای آن که رشته بررسی‌های این موضوع،

**بانک ملی ایران**

تاریخ: ۱۳۶۳

شماره حساب: ۱۴۲۹۷

نام صاحب حساب: مهندس رازی

نزد شعبه: شعبه ۱۴۲۹۷

بدین وسیله تأیید می‌شود که مبلغ مندرج در جدول ذیل در بانک و به حساب سپرده قرض الحسنه جاری فوق منظور گردید.

نام پرداخت کننده: \_\_\_\_\_

توجه: بدون ثبت مائشینی اعتبار ندارد.

شعبه: \_\_\_\_\_

به انجام درستی برسد؛ پی بردن به پاسخ دستگاه قضایی کشور در این باره نیز، سودمند است: «یک مقام مسؤول در دادگستری تهران ... که نام وی فاش نشده است...» درباره ماجرای جابه‌جا شدن پول‌های دریافتی از مردم، چنین پاسخ داده است:

«ریاست محترم دادگستری تهران، بعد از تصدی این مسؤولیت، با توجه به انبوه پرونده‌هایی که به دلیل تراکم کاری، کمبود نیروی متخصص و فقدان برخی امکانات ضروری دیگر، راکد مانده بود و به دلیل ناکافی بودن اعتبارات دولتی، امکان برطرف کردن موانع و رسیدگی سریع به آنها وجود نداشت، از ریاست محترم قوه قضاییه کسب تکلیف کرد و ایشان، از رهبر معظم انقلاب درخواست کردند به دادگستری تهران اجازه داده شود مبالغی از وجوه امانی، که در اختیار دادگستری است و به صورت راکد نگهداری می‌شود را، در بانک سرمایه‌گذاری کند و سود حاصل از آن را، برای تأمین امکانات لازم، به منظور انجام کارهای بر زمین مانده دادگستری و رسیدگی به انبوه پرونده‌هایی که در انتظار رسیدگی می‌باشند، مصرف نماید و رهبر معظم انقلاب با این پیشنهاد موافقت فرمودند. دادگستری تهران اصرار داشت که این حساب به نام دادگستری گشوده شود ولی بانک مرکزی و وزارت دارایی، اعلام کردند که اگر این حساب، به نام دادگستری باشد، سودی به آن تعلق نخواهد گرفت و خود آن‌ها پیشنهاد کردند که حساب شخصی افتتاح شود و دادگستری تهران نیز، با این پیشنهاد موافقت کرد.

این حساب زیر نظر مستقیم بخش اداری - مالی دادگستری قرار دارد و مانند هر حساب دیگری که متعلق به دادگستری است، کنترل می‌شود و ضمناً یک حساب مشترک است و چند صاحب امضاء دارد که مشترکاً برداشت می‌کند.

وی در مورد بهره‌برداری از سود این حساب گفت:

این سود، مطابق لیست موجود، که زیر نظر بخش اداری - مالی دادگستری تهیه شده است، برای پرداخت اضافه‌کار به قضات، گشایش شعبه‌های جدید، پرداخت حق کارشناسی به کارشناسان قضایی، تشکیل

چرا بانک مرکزی در مورد وجوه این حساب سکوت پیشه کرده است؟ (به متن مقاله رجوع شود)

دولتی، برای انجام امور جاری این سازمان، به کار می‌گیرد...» (۳)

اما روابط عمومی بانک مرکزی، گفته‌های مقام مسؤول دادگستری را تکذیب کرده است که:

۱- درخصوص اجازه افتتاح حساب مورد اشاره، موضوع مستقیماً با درخواست رئیس کل دادگستری تهران، از مقام معظم رهبری صورت پذیرفته است نه از سوی رئیس محترم قوه قضاییه...

۲- براساس موافقت مقام معظم رهبری، افتتاح حساب می‌بایستی به نام دادگستری صورت می‌گرفت تا از منافع مشروع بانکی آن، بتوان صرفاً در رابطه با تأمین نیازهای دادگستری زیر نظر ریاست محترم قوه قضاییه هزینه نمود... وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، تقاضای خود را به بانک مرکزی ارسال نمود و با تصویب شورای پول و اعتبار، حساب سپرده‌ای به نام سازمان حج و زیارت افتتاح گردید و به هیچ وجه، به نام شخص خاص، حساب بانکی افتتاح نگردیده است.

«برخلاف آنچه ادعا شده، متأسفانه در این خصوص از سوی رئیس دادگستری هیچگونه مکاتبه‌ای با بانک مرکزی صورت نگرفته است و چنانچه این مطلب مورد ادعای مقام آگاه دادگستری می‌باشد، شماره و تاریخ پاسخ ارسالی به بانک مرکزی را اعلام نمایند...» (۴)

کلاس‌های آموزشی برای قضات و سایر دست‌اندرکاران امور قضایی هزینه شده است و مبالغی نیز به همین منظور، به ادارات دادگستری در برخی دیگر از استانها، داده شده است...

در صورت هزینه‌ای که آقای رازینی به عنوان گزارش، در باره موارد هزینه سود حاصل از این حساب، برای ریاست محترم قوه قضاییه فرستاده است، حتی به مبلغی که صرف هزینه ناهار کارکنان شده نیز، اشاره و این توضیح داده شده که چون قضات و کارکنان به دلیل اضافه‌کاری، به طور تمام وقت کار می‌کنند، این مبلغ برای تهیه ناهار آنان، هزینه شده است...

وجوه موجود در این حساب، متعلق به دولت نیست، بلکه این وجوه به صورت امانی، از جانب مردم در اختیار دادگستری تهران قرار داشته و دادگستری، این مبالغ را که راکد مانده بود، برای تأمین هزینه امور جاری دادگستری، به کار انداخته است...

این مقام مسؤول، بهره‌گیری از سپرده‌های راکد را، یک اقدام متداول و روالی پذیرفته شده اعلام کرد و گفت:

«به عنوان مثال، وزارت ارشاد، با کسب اجازه رهبر معظم انقلاب، سپرده‌های متقاضیان حج را، به جای آن‌که راکد بماند، در بانک‌ها سرمایه‌گذاری می‌کند و سود حاصل از آن را، به منظور جبران کمبود اعتبارات

## فقه و قانون چه می‌گوید؟

واقعاً: قلم اینجا رسید، سر بشکست! خواندن مطالبی از قبیل آنچه گذشت، آدمی را به حیرت و وحشت فرو می‌برد و بی‌اختیار از خودش می‌پرسد: آخر برای چه؟

اگر در دستگاه قضایی، که خود نگهبان و نگهدار قانون و حقوق مردم است، مسؤولان دست تظاول به امانات مردم دراز کنند، از دیگر اشخاص حقوقی یا حقیقی چه انتظاری می‌توان داشت و اگر از آن‌ها، گناهمانی بالاتر از آنچه گردانندگان دستگاه قضاییه با اموال مردم کرده‌اند، سر بزنند، چه می‌توان گفت؟

در حال حاضر، کشور ما، در حال و هوای اسلامی و زیر لوای فقه جعفری به سر می‌برد و دست بر قضا، بیشتر گردانندگان دستگاه قضایی کشور نیز، از آیات الله و حجج الاسلام می‌باشند و صد البته که همه‌شان، مقدمات و اصول فقه را، بهتر از امثال من می‌دانند.

اکنون سوالی که پیش می‌آید این است که آیا این حضرات معنی امانت را نمی‌دانند و از شیوه و حرمت امانتداری آگاه نیستند؟ در قرآن کریم می‌خوانیم:

یا ایهاالذین آمنوا لاتاكلوا اموالکم بینکم بالباطل الا ان تکون تجارة عن تراض منکم... و من یفعل ذالک عدواناً و ظلماً، فسوف نصلیه ناراً و کان ذالک علی الله سبیراً. (۵)

ای اهل ایمان، مال یکدیگر را به ناحق نخورید و تصاحب نکنید مگر آن که از طریق تجارت و به رضایت بین خودتان باشد... و اگر کسی چنین کند که مال دیگری را به زور و ستم بخورد، به زودی او را به آتش دوزخ می‌اندازیم و این کار برای خدا، آسان است. و یا:

ان الله یامرکم ان تؤدوا الامانات الی اهلها... (۶)

خدا به شما فرمان می‌دهد که امانات را به صاحبش بازگردانید...

آیا می‌توان پذیرفت که گردانندگان دستگاه قضایی، به این دستورهای موکد قرآنی، واقف نبوده‌اند و با اعتنایی نداشته‌اند؟

مقامات قضایی خودشان اعتراف صریح می‌کنند که با پولهای امانی مردم، به سلیقه خود،

## چه عاملی موجب شده است که بازرسان بانک مرکزی، راجع به حساب شماره ۱۳۲۶۷ بانک ملی شعبه کاخ دادگستری و حسابهای مشابه اظهار نظری نکنند؟

کاسبی و منافع بدست آمده را به هر طریقی که میلشان بوده، خرج کرده‌اند و برای آن که سرپوشی هم بر کارهای خلاف قانون خود بگذارند، متمسک به اجازه گرفتن از مقام رهبری شده‌اند.

صرفنظر از آن که تاکنون از ناحیه نهاد رهبری، در باره این ادعا، نقیاً یا اثباتاً اظهار نظری نشده است و گمان نمی‌رود که درست باشد، با فرض این که چنین اجازه‌ای هم صادر شده باشد، آن اجازه، از دیدگاه فقهی و قانونی، فقط در مورد اموال بی‌صاحب یا مجهول المالک صادق و نافذ است نه اموال امانی که مالک خاص و مشخص دارد. چنان‌که در قانون مدنی هم آمده است:

ماده ۲۸ - اموال مجهول المالک، با اذن حاکم یا مأذون از قبل او، به مصارف فقراء می‌رسد. وانگهی، به استناد نامه بانک مرکزی که

بیشتر، بخشی از آن نقل شد، اجازه حاصله (اگر صحت داشته باشد) مربوط بوده است به بازکردن حساب به نام دادگستری، یعنی شخص حقوقی و نه شخص حقیقی و به نحوی که صورت گرفته است. پس باید گفت موضوع مجوز جابه‌جا کردن و خرج پولهای امانی مردم، مطلبی است به کلی عاری از حقیقت، بلکه واقعیت امر این است که مقامات مربوط، خودسرانه و بدون داشتن اذن لازم، عدواناً، سپرده‌های مردم نزد دستگاه قضایی را، بدون کسب اجازه از مالکین

آن‌ها، به کار انداخته و سرانجام، به تعبیری منافع بدست آمده را، حیف و میل کرده‌اند.

هنگامی که شهردار تهران، در جلسات دادگاه، مدعی شد که پولهای به دست آورده از مردم تهران را، با اجازه مقامات مسؤول جابه‌جا و خرج کرده است، با آن که آن پول‌ها، در شمار دارایی و بودجه شهرداری بود و شهردار، نوعاً می‌توانست به هر طریقی که صلاح بداند دستور خرج آن‌ها را بدهد و با آن که وزیر مسؤول وقت، شخصاً به دادگاه آمد و سخنان شهردار را تأیید و بر صدور جواز دخل و تصرف در آن‌ها، از ناحیه خودش، تأکید کرد، با این حال دادگاه سخنان شهردار تهران و گواه او را، نشنید و سرانجام، شهردار به گناه اختلاس (!) محاکمه و محکوم گردید.

اینک جا دارد پرسیده شود که مقامات قضایی، با توجه به اینکه آشکارا و به اقرار خودشان، به اموال امانی مردم، دست‌درازی و با آن‌ها، کسب سود کرده‌اند، چگونه و با کدام منطق و دلیل حقوقی و قضایی و فقهی، از خودشان رفع اتهام خواهند کرد؟ و در قبال حیف و میل حق الناس چه پاسخی خواهند داشت؟!

برای آن‌که خوانندگان مجله که به مسائل حقوقی و فقهی آشنایی بسنده ندارند، نیک دریابند که سخن ما، بر سر چیست و عیب کار برخی مقامات قضایی کشور، در کجاست، گزیری نیست که موادی از قوانین موضوعه کشوری نیز، به نظرشان رسانده شود:

### ۱- قانون مدنی:

قبلاً توجه خوانندگان را به این نکته اساسی جلب می‌کنیم که قانون مدنی ایران، که یکی از بهترین و کاملترین قوانین مدنی جهان است، اکثریت قریب به تمام مطالبش، بر پایه فقه جعفری تنظیم شده است و علاوه بر اعتبار قانونی، یک مأخذ معتبر فقهی نیز هست. اکنون به موادی از این قانون که در باره ودیعه یا امانت آمده است، اشاره خواهیم کرد:

ماده ۳۳۳ - هرگاه کسی برحسب اذن صریح یا ضمنی، از مال غیر، استیفاء منفعت کند، صاحب مال، مستحق اجرة‌المثل خواهد

بود مگر این که معلوم شود که اذن در انتفاع، مجانی بوده است.

ماده ۶۱۲ - امین باید مال ودیعه را، به طوری که مالک مقرر نموده، حفظ کند و اگر ترتیبی تعیین شده باشد، آن را به طوری که نسبت به آن مال، متعارف است، حفظ کند والا ضامن است.

ماده ۶۱۷ - امین، نمی‌تواند غیر از جهت حفاظت، تصرفی در ودیعه کند یا به نحوی از انحاء، از آن منتفع گردد مگر با اجازه صریح یا ضمنی امانت‌گذار، والا ضامن است.

ماده ۶۱۸ - اگر مال ودیعه، در جعبه سربسته یا پاکت مختوم، به امین سپرده شده باشد، حق ندارد آن را باز کند والا، ضامن است.

ماده ۶۲۱ - اگر مال ودیعه، قهراً از امین گرفته شود و مشارالیه، قیمت یا چیز دیگری، به جای آن اخذ کرده باشد، باید آن چه را که در عوض گرفته است، به امانت‌گذار بدهد ولی امانت‌گذار، مجبور به قبول آن نبوده و حق دارد مستقیماً به قاهر رجوع کند.

ماده ۶۲۳ - منافع حاصله از ودیعه، مال مالک است.

## ۲- قانون محاسبات عمومی کشور

ماده ۱۳ - وجوه عمومی، عبارت است از نقدینہ‌های مربوط به وزارت‌خانه‌ها و موسسات دولتی و شرکتهای دولتی و نهادها و موسسات عمومی غیردولتی و موسسات وابسته به سازمانهای مذکور که متعلق حق افراد و موسسات خصوصی نیست و صرفنظر از نحوه و منشاء تحصیل آن، منحصرأ برای مصارف عمومی، به موجب قانون، قابل دخل و تصرف می‌باشد.

تبصره ۱ - وجوهی نظیر سپرده، وجه الضمان و مانند آن‌ها، که به طور موقت در اختیار دستگاههای مذکور در این ماده قرار می‌گیرد و پس از انقضای مدت معین و یا حصول شرایط خاص، قابل استرداد است، مادام که در اختیار دستگاههای مزبور می‌باشد، تصرف در آن‌ها، بدون رضایت صاحب وجه یا احراز اعراض صاحب آن، در

## اجازه ماکم، در مورد تصرف

### اموال، چه خاص و چه عام.

### فقط هنگامی نافذ و معتبر

### است که، ا - مال

### مجهول‌المالک باشد.

### ۲- برای تصرف در مال

### موردنظر، قانون خاصی

### وجود نداشته باشد.

حکم تصرف غیرقانونی در وجوه عمومی، تلقی می‌گردد.

تبصره ۲ - اسناد و اوراق بهادار متعلق به سازمانهای مذکور در این ماده نیز، در حکم وجوه عمومی است.

ماده ۳۰ - سپرده، از نظر این قانون، عبارت است از:

الف - وجوهی که طبق قوانین و مقررات، به منظور تامین و یا جلوگیری از تضییع حقوق دولت، دریافت می‌گردد و استرداد و یا ضبط آن، تابع شرایط مقرر در قوانین و مقررات و قراردادهای مربوط است.

ب - وجوهی که به موجب قرارها و یا احکام صادره از طرف مراجع قضایی، از اشخاص حقیقی و یا حقوقی دریافت می‌گردد و به موجب قرارها و احکام مراجع مذکور، کلاً یا بعضاً قابل استرداد می‌باشد.

ج - وجوهی که براساس مقررات قانونی، توسط اشخاص، نزد دستگاههای دولتی، به نفع اشخاص ثالث، تودیع می‌گردد تا با رعایت مقررات مربوط، به ذی‌نفع پرداخت شود.

ماده ۳۹ - وجوهی که از محل درآمدها و سایر منابع تامین اعتبار منظور در بودجه کل کشور، وصول می‌شود و همچنین، درآمدهای شرکتهای دولتی، به استثناء بانکها و موسسات اعتباری و شرکتهای بیمه، باید به حسابهای

خزانه که در بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران افتتاح می‌گردد، تحویل شود.

خزانه مکلف است ترتیب لازم را بدهد که شرکتهای دولتی، بتوانند در حدود بودجه مصوب، از وجوه خود استفاده نمایند.

ماده ۴۱ - وجوهی که وسیله وزارتخانه‌ها و موسسات دولتی و شرکتهای دولتی (به استثناء بانکها و شرکتهای بیمه و موسسات اعتباری) به عنوان سپرده و یا وجه‌الضمان و یا وثیقه و یا نظایر آن‌ها، دریافت می‌گردد، باید به حسابهای مخصوصی که از طرف خزانه، در بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران و یا شعب سایر بانکهای دولتی، که از طرف بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران شعب سایر بانکهای دولتی، نمایندگی داشته باشند، افتتاح می‌گردد، واریز شود. وجوه واریز شده به حسابهای مذکور، که بدون حق برداشت خواهد بود، باید در آخر هرماه، به حساب مخصوص تمرکز وجوه سپرده در خزانه، منتقل شود.

ماده ۴۲ - کلیه وزارت‌خانه‌ها و موسسات دولتی، مکلفند حداکثر ظرف مدت سه ماه از تاریخ اجرای این قانون، کلیه وجوه سپرده‌هایی را که تا تاریخ مذکور دریافت گردیده و نسبت به رد آن به ذی‌نفع اقدام نشده است، به حساب تمرکز وجوه سپرده خزانه نزد بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، منتقل و فهرست مشخصات کامل سپرده‌های مذکور را، به خزانه اعلام نمایند.

ماده ۴۳ - آیین‌نامه نحوه اجرای مواد ۳۹، ۴۱ و ۴۲ توسط وزیر امور اقتصادی و دارایی تصویب و ابلاغ خواهد شد و متخلف از اجرای این مواد، به موجب رای هیأت‌های مستشاری دیوان محاسبات کشور، به مجازاتهای مقرر در قانون محاسبات کشور، محکوم خواهد شد.

## ۳- قانون مجازات اسلامی

ماده ۵۹۸ - هر یک از کارمندان و کارکنان ادارات و سازمانها یا شوراها و یا شهرداریها و موسسات و شرکتهای دولتی و یا وابسته به دولت و یا نهادهای انقلابی و بنیادها و موسساتی که زیر نظر ولی فقیه اداره می‌شوند و دیوان محاسبات و موسساتی که به کمک

مستمر دولت اداره می‌شوند و یا دارندگان پایه قضایی و به طور کلی، اعضاء و کارکنان قوای سه‌گانه و همچنین نیروهای مسلح و مامورین به خدمات عمومی، اعم از رسمی و غیررسمی، وجوه نقدی یا مطالبات یا حوالجات یا سهام و سایر اسناد و اوراق بهادار، یا سایر اموال متعلق به هر یک از سازمانها و موسسات فوق‌الذکر یا اشخاصی که برحسب وظیفه، به آن‌ها سپرده شده است را، مورد استفاده غیرمجاز قرار دهد، بدون آن‌که قصد تملک آن‌ها را به نفع خود یا دیگری داشته باشد، متصرف غیر قانونی محسوب و علاوه بر جریمه بران خسارات وارده و پرداخت اجرةالمثل، به شلاق تا ۷۴ ضربه محکوم می‌شود و در صورتی که منتفع شده باشد، علاوه بر مجازات مذکور، به جزای نقدی، معادل مبلغ انتفاعی، محکوم خواهد شد و همچنین است در صورتی که به علت اهمال یا تفریط، موجب تضییع اموال و وجوه دولتی گردد و یا آن‌را، به مصارفی بپردازد که در قانون، اعتباری برای آن منظور نشده، یا در غیر مورد معین، یا زاید بر اعتبار، مصرف نموده باشد.

با اندکی توجه به مفاد مواد قانونی یاد شده، هر کس به خوبی می‌تواند دریابد که برخی از امضاء مردم که ظاهراً متعهد گردیده‌اند از بیت‌المال آنان، به راستی و درستی پاسداری کنند، چگونه رسم و راه امانتداری را از یاد برده و واژه بیت‌المال را به بیت‌المأبدل گردانیده‌اند و با مال امانی مردم، به مانند مال شخصی و میراث پدری، تصرف و تئذیر کرده‌اند! متن قانون، صریح است و روشن و همه‌کس، می‌تواند معنی و مفاد مواد آن‌را، دریابد و ما، در

این مقال، یک بحث اصولی را پی‌گیری می‌کنیم و از اشیاء و نظایر و مصادیق سخن می‌گوییم؛ یعنی برسرآنیم که گوشه‌ها و زوایای یک اتفاق را، به طور همگانی بشکافیم و نظر و غرض خاصی نسبت به شخص معینی نداریم و می‌خواهیم دریافته شود که اگر در قضیه‌ای مشابه رویدادی که اینک از آن سخن می‌رود، به جای شهردار تهران یا مقامات قضایی، هر شخص حقیقی یا حقوقی دیگری گذاشته شود، تکلیف قانونی چیست و چون ظن غالب می‌رود که تطاول و سوء استفاده از منال عمومی، منحصر به شهرداری تهران یا دستگاه قضاییه نیست و سازمانها و نهادهای دیگری را هم، می‌شود یافت که چنین رفتارهایی با وجوه و اموال زیردست خودشان کرده باشند که شاید ابعاد گسترده‌تری داشته باشد، لذا، جا دارد مردمی که به هر روی، مالکین حقیقی این دارایی‌ها هستند، از چگونگی امور آگاه شوند و اگر دستگاه یا دستگاههایی هست که باید از امثال این اتفاقات جلوگیری کند، هوشیار باشند که تا کار از دست نرفته است، آب رفته را به جوی باز گردانند و داستان نوشدارو، پس از مرگ سهراب پیش نیاید.

از فحواى مواد قانونی که به آن‌ها اشاره شد، به خوبی دریافته می‌شود که دست کم، بزه مورد نظر ماده ۴۱ قانون محاسبات عمومی کشور، یعنی تصرف غیرقانونی در وجوه عمومی ارتکاب شده است و در این امر، ظاهراً جای چون و چرایی نیست. همچنین مرتکب بزه یاد شده، هر که باشد، به مصداق ماده ۵۹۸ قانون مجازات اسلامی، متصرف غیرقانونی اموال عمومی و خصوصی است و مآلاً، قابل تعقیب کیفری نیز خواهد بود.

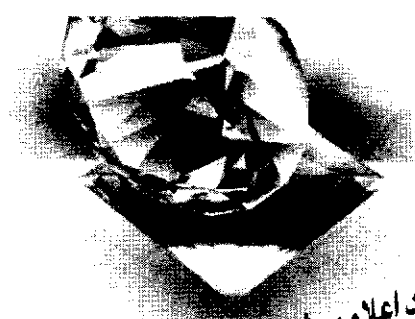
در این جا لازم است این نکته هم به اختصار یادآوری شود که اجازه حاکم چنان‌که قبلاً هم تذکر داده شد، در مورد تصرف در اموال، چه خاص و چه عام، فقط هنگامی نافذ و معتبر است که:

۱- مال، مجهول‌المالک باشد و به این موضوع، در کتب فقهی فراوان اشاره شده است؛ شرح ماده ۲۸ قانون مدنی هم که قبلاً گذشت.

۲- برای تصرف در مال موردنظر، قانون خاصی وجود نداشته باشد که اتفاقاً در منال مورد بحث ما، به جای یک قانون، چند قانون وجود دارد.

در اینجا چند موضوع قابل بحث است:

۱- چه در موضوع اتهامات شهردار تهران و چه در مورد سخنانی که راجع به مسؤولان قوه قضاییه در میان است، چگونه است که مسؤولان مربوط، پس از سالها سکوت، یکباره زبان باز کرده و موضوع را مطرح کرده‌اند؟ مثلاً شهردار تهران، سالها پیش‌تر از اعلام جرم علیه او، مرتکب گناهمانی شده بود ولی کسی به او کاری نداشت اما ناگهان، ورق برگشت و گریباننش را گرفتند و یا در مورد مقامات قضایی، بانک مرکزی خودش می‌گوید جابه‌جایی پولهای مردم به توسط آن مقامات، از سال ۱۳۷۳ صورت گرفته است، در این صورت، چرا بازرسان بانک مرکزی، فقط به هنگام بازرسی متعارف و معمول سال جاری از سوء استفاده مقامات قضایی سردرآورده‌اند؟ آیا در سالهای گذشته وظایف خودشان را درست انجام نمی‌داده‌اند (که به گناه اهمال در انجام وظایف قانونی، قابل مؤاخذه و مجازات‌اند) یا این که روی مصلحت خاصی، سرپوش بر روی قضایا گذاشته می‌شده و حالا مصلحت دیگری پیش آمده است که دست



تهران  
۱۵۸۷۵-۱۹۳۷  
صندوق پستی برای دریافت نظریات و پیشنهادها:

تاریخ انتشار در آینده نزدیک اعلام می‌شود

# ایران و بیج

روزنامه‌ای در عصر انفجار اطلاعات

حریفان را رو کنند و به اصطلاح پاتک بزنند؟ (که در این صورت هم پای همه مقامات مسؤول، به گناه توریه و تبانی و اخفاء جرم، گیر است).

۲- ظاهراً بازاربان بانک مرکزی، فقط خواسته‌اند سرمطلب را باز کنند زیرا که تنها به شماره حساب ۱۳۱۱۲ بانک ملی شعبه کاخ دادگستری اشاره کرده‌اند ولی از شماره حساب ۱۳۲۶۷ که تحت عنوان حساب مشترک علی رازی‌نی در همین بانک ملی شعبه کاخ دادگستری، باز شده است و از جمله عواید آن، جرائمی است که از محل محکومیت دارندگان آنتن‌های ماهواره‌ای و... وصول می‌شود و یا برداشت‌های مختلفی که از موجودی ایتم و صفار، نزد ادارات سرپرستی می‌شود و موارد دیگری که لایذ هست و ما از آن‌ها اطلاعی نداریم، هیچ اشاره‌ای نشده است؟

۳- مقامات مسؤولی که در مورد سوء استفاده شهردار تهران یا مقامات قضایی، روی هر مصلحت و ملاحظه‌ای، سالها ساکت مانده و اجازه داده‌اند که از دارایی‌های مردم (به هر صورت متصور) سوء استفاده بشود، از دیدگاه قانونی قابل تعقیب هستند در این صورت، جا دارد که اول، موضوع تعقیب قانونی آن‌ها مطرح شود.

۴- این که بانک مرکزی در گزارش تقدیمی به ریاست جمهوری، به «منافع بانکی مشروع» اشاره کرده است، منظور چیست؟ تصرف امین، در مالی که مالک خاص دارد، آن هم بدون اذن و اجازه مالک مال، چه مشروعیتی دارد که رئیس بانک مرکزی آن را مباح کرده است؟ از دیدگاه فقهی و قانونی، چنین تصرفی از دست زدن به آتش جهنم هم بدتر و به هر حال، ارتکاب فعل حرام است!

۵- برابر مواد ۳۳۳ و ۶۲۳ قانون مدنی استیفاء از عین یا منافع مال غیر، موجب ضمان است یعنی باید به مالک حقیقی مال، هم اجرةالمثل داده شود و هم منافع حاصله، تماماً به او پرداخت گردد، در این صورت، تمام منافع و درآمدهایی که به هر نحو متصور، از تصرفات مختلف در وجوه امانی مردم حاصل آمده است، باید به نسبت سهم سبرمایه، بین صاحبان آن وجوه تقسیم شود.

۶- اگر منافع حاصله از وجوه یاد شده، مال

## مسئله حقوقی مدعی است از مسئول ۱۳۷۳ در حساب و قریح مربوط به دادگستری خلاف انجام مسئول اموال موضوع را گرفته است؟

مالکین آن‌ها است (که هست)، در این صورت تکلیف آن مقدار از منافع که برای یاریگیری حضرات، یا هر مصرف دیگری، تلف شده است، چیست؟

۷- هنگامی که امین، در مال امانی خیانت کند، صفت امانت از او سلب می‌شود و کمترین کاری که لازم می‌آید، کوتاه کردن دست امین از مال امانی است؛ در این صورت، اکنون که روشن شده است مقاماتی، در باره اموال مردم مرتکب بی‌تقوایی‌هایی شده‌اند، آیا نباید دستشان از مال مردم کوتاه و به تصرفاتشان هرچه زودتر پایان داده شود؟

۸- اگر بی‌تقوایی یکی از ضوابط زوال مشروعیت شرعی و قانونی است، اکنون که آشکار گردیده است، برخی مقامات قضایی با وجوه امانی مردم، برخلاف نصوص فقهی و قانونی، رفتار کرده‌اند، تکلیف مشروعیت شرعی و قانونی آن‌ها، چه می‌شود و آیا می‌توانند به مانند گذشته، بر سر کارشان بمانند یا این که باید فوراً کنار بروند یا کنار گذاشته شوند تا در پیشگاه دادگاه، اول بی‌گناهی خودشان را ثابت کنند؟

۹- اگر ثابت شود که به هر روی، مقامات قضایی که بدون اذن و اجازه، در اموال امانی مردم، انواع تصرفات و دخل و خرج‌ها را کرده‌اند، قانونی و مشروع نبوده است، در این صورت، پول‌هایی که از این راه به دست آمده و به قضات و کارکنان دادگستری پرداخت شده

است، شرعاً و قانوناً چه حکمی دارد:

الف - قابل استرداد است؟

ب - برگشت ناپذیر است؟

پ - به هر روی، آیا چنین پول‌هایی حلال بوده است؟

ت - مظلّمه شرعی و دینی صرف این پول‌ها، برگردن کیست؟

۱۰- به فرض آن که دستگاه قضایی یا هر دستگاه اجرایی دیگر، نخواهد منافع حاصله از اموال امانی مردم را، به خود آن‌ها پس بدهد و به فرض این که تصرفاتی در اموال مردم شده، ولی منافعی حاصل نشده باشد، آیا شرعاً و قانوناً حلالیت خواستن از صاحبان آن اموال برای این که فقط در اموال آنان، بدون اذن و اجازه خودشان تصرفات و جابه‌جایی‌هایی صورت گرفته است، لازم است یا نه؟

۱۱- اگر به هر علت، متصور خواه برائت حوادث قهری و طبیعی مانند مرگ یا زوال عقل و خواه به انگیزه‌های شخصی از قبیل بروز اختلاف‌های درون گروهی، یا هواهای نفسانی یا... پس گرفتن وجوه عمومی که به نام اشخاص حقیقی به حساب‌های بانکی ریخته شده است مقدور نگردد، مثلاً شخص حقیقی بمیرد یا حواس خود را از دست بدهد و یا حاضر به حساب پس دادن نباشد و یا از دسترس خارج شود، تکلیف مردم یا دستگاه دولتی با وراثت و قائم‌مقامان قانونی او چه خواهد شد و پول‌های از جریان خارج شده چگونه وصول خواهد گردید و هزینه هنگفت دادرسی در محاکمات احتمالی و سایر مخارج متفرقه را چه کسی خواهد پرداخت؟

مطالبی که در این مقال مطرح گردید، به عنوان مشت نمونه خروار بود و این رشته سردراز دارد که امید است در فرصت‌های دیگری، بازم دنباله سخن را بگیریم.

ایدون باد

پانویس‌ها

۱- روزنامه توس - شماره ۱۸ - ۱۳۷۷/۵/۲۴

۲- روزنامه سلام - شماره ۲۰۸۵ - ۱۳۷۷/۵/۲۵

۳- روزنامه توس - شماره ۲۱ - ۱۳۷۷/۵/۲۷

۴- روزنامه توس - شماره ۲۲ - ۱۳۷۷/۵/۲۸

۵- قرآن - سوره نساء - آیات ۲۹ و ۳۰

۶- قرآن - سوره نساء - آیه ۵۸